

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی - لله الحمد اگر چه ظلمت...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۲۲۰)، صفحه ۳۴۵ -

۳۴۲

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

لله الحمد اگر چه ظلمت اوهام علمای ارض یعنی نفوسی که از حق غافلند عالم را احاطه نموده و تعدی و ظلم امرا هم ارکان بلاد را متزلزل کرده و اعمال مشرکین و معتدین قلوب را از طراوت باز داشته و لکن ندای مقصود عالمیان و انوار وجه ظهور بشائی مرتفع و مشرق که نزد متبصرین دون آن مشهود نه در هر حین عالم را اخبار می فرماید و نفحات آیات از شطر سخن منتشر، اوست روح عالم و علّت وجود بنی آدم طوبی لمن وجد وعرف و ویل للغافلین. سبحانک یا اله الوجود و مالک البیت المعمور اسألك بظهور مکلم الطور الذی ینطق باعلی النداء بین الارض و السماء بان تؤید اصفیائک علی ما ینبغی لسلطنتک و کبریائک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الحکیم. ای ربّ تری و تعلم انّ الخادم اراد ان يذكر الذین نسبتهم الی نفسک و سمّیتهم بافنان سدرتک و لو انّ هذا فوق مقامی و شأنی و لکن اذکرهم لثلاث اصیر محروماً من هذا الفضل و اشکرک بذلک و بما ایدتني علی ذلک ثم بعد الذکر اتوب و ارجع الیک لیكون ذلک دليلاً علی عجزی عن ذکر اولیائک. ای ربّ اسألك به کوثر بیانک و اسرار علمک بان تؤید افنانک کما ایدتهم من قبل و قدر لهم ما ینبغی لجودک انک انت الجواد الکریم

و بعد روحی لقیامکم و ذکرکم و خدمتکم الفدا دستخط آن حضرت که در عرض راه ارسال فرمودند قلب را نور و صدر را انشراح و بصر را قوت عطا نمود لله الحمد نعمت ذکر حق جلّ جلاله در آن موجود و همچنین مائده صحت آن حضرت و من معه شکر مقصود عالمیان را که در هر حین عنایتش مبین بوده و هست بشائی که جمیع عالم از احصای آن عاجز و قاصرند اگر احوال ارض مقصود را بخواهند حضرت آقای معظم علیه من کلّ بهاء اباه و نجمین علیهما بهاء الله الابهی و مخدرات معظمات علینّ بهاء الله و عنایاته و الطافه طائف حول بودند و بعد حسب الامر به بیروت تشریف بردند ان شاء الله لازال بذکر حق مشغول باشند و در ظلّش مستریح و بعد از قرائت دستخط آن حضرت تلقاء عرش این کلمات عالیات از منزل آیات و مظهر بینات ظاهر و نازل قوله جلّ جلاله و عمّ نواله و عظم شأنه: یا افنانی علیک بهائی رگ شریان عالم از نفحات آیات الهی متحرک و در هر حین مدد ربّانی به او می رسد و الاّ از ظلهای اهل ارض و علمای بلاد کلّ فانی و معدوم مشاهده می شدند از حق بطلبید تراب یقین را به آب علم عین فرماید و نفوسی برانگیزاند تا بمثابه جبال در امر غنی



ORIGINAL

متعال راسخ و ثابت مشاهده کردند و در مقامی مقیم شوند که امری از امور ایشان را از حق جلّ جلاله منع ننماید و بابتی از عالم دیگر بر وجود بگشاید لعمر الله هر نفسی به عرفی از آن فائز شود جمیع من علی الارض را بمثابه کفّ تراب مشاهده کند. لله الحمد مکرر فائز شدی به آنچه که عالم به او معادله ننماید جناب محمدعلیه بهائی را تکبیر برسان بگو انّ الحقّ یكون معک یسمع و یری و هو السّميع المجیب. جمیع افنان را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بعنایات لانهایه مسرور دار. انتهى

این فانی هم خدمت هر یک تکبیر و سلام عرض می نماید ان شاء الله جمیع مطالع اراده حق واقع شوند الواحی که از قبل خواسته بودند علی عدد و هاب ۱۴ ارسال شد امید هست برسد و از برای قلوب مفتاحی و از برای عطشان بر محبت الهی کوثری و از برای ظلمت این ایام نوری مشرق مشاهده شوند و از بحر معانی آن قسمت برند. خدمت آقایان عظام حضرت افنان و افنان علیهما من کلّ بهاء اباه که در آن ارض تشریف دارند سلام و تکبیر عرض می نمایم طوبی لحضرتهم و نعیماً لهم بما ایدهم و ذکرهم فی الواح شتی انّ ربنا الرحمن هو المشفق الکریم البهاء والذکر و الثنا علی حضرتکم وعلیهم وعلی من احبهم و اقبل الیهم لوجه الله رب العالمین

خادم فی ۱۲ محرم الحرام سنه ۱۳۰۳